

## بزرگداشت انقلاب عمان!

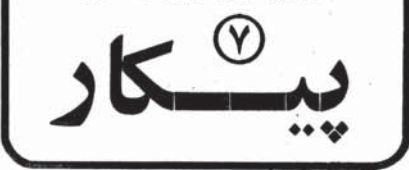
برای اولین بار در ایران و بنا به یک وظیفه انقلابی، بدعت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر مراسمی با شرکت بیش از ۵ هزار نفر در تحلیل از مبارزات قهرمانانه خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پلکاردهای متعددی حاکی از پشتیبانی کامل از مبارزات خلق عرب در عمان و فلسطین و شمارهای عظیم امیرالیسم و ارتجاع فلسطینی و عمانی، مبارزه بی امان خلقها را علیه امیرالیسم و ارتجاع تداعی مینمود.

در ابتدا پیام کنفرانس وحدت قرائت شد. در این پیام تاریخچه مبارزه خلق عمان، مراحل که ادامه در صفحه ۲

## سالروز شهادت ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره پزخانه های تهران را گرامی می داریم!

طی سالهای بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد امپریالیستها و در راسشان امپریالیسم انگلیس و امریکا

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر



دوشنبه، بیست و یکم خردادماه ۱۳۵۸ - بها: ۱۰ ریال

## ملی کردن در حرف، دولتی کردن در عمل

بانکها یکی از وسایل استثمار نیروی کار کشور ما و یکی از اهرمهای مهم امپریالیسم جهانی برای چپاول ثروت های ملی و یکی از مظاهر بارز وابستگی به امپریالیسم بشمار می آید.

توجه ملت است این خشم و نفرت بوده ها و مبارزات آنها با توجه به سطح بالای آگاهی و شناخت آنها نسبت به ماهیت بانکها نمی توانست بدون رسیدن به هدفهای اساسی در این راه متوقف گردد. این هدف عبارت بوده از:

ملی کردن بانکها یعنی قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم در موسسات بانکی. از طریق معادله کردن سرمایه های امپریالیستی و دلالت داخلی آنها، تبدیل کلیه بانکها به بانک واحد و اعمال نظارت انقلابی بر آنها از طریق شورای کارکنان بانکها.

ادامه مبارزه به همین لحاظ بود که پس از قیام، توده های

توده های مستخدمه ما سالیان دراز با پوست و گوشت خود این استثمار و این چپاول را لمس کرده اند از همین رو با اوج گیری مبارزات انقلابی، خشم و نفرت بی پایان خود را به بانکها، به این موسسات غارتگر امپریالیستی با آماج حمله قرار دادن این مراکز، به آتش کشیدن آنها، عدم پرداخت دیون و افساط بانکی و همچنین افسای هرچه بیشتر ماهیت عملکرد بانکها از طریق کارکنان مبارزبانکها و نیروهای انقلابی و ... به نمایش گذاشتند.

### • بیکاری، علل اساسی، راه حلهای اساسی

و دولت موقت "انقلابی"! ۲، صفحه ۴

### • گرامی باد خاطره مجاهد شهید رضاضایی

ششده ۲

### • اخبار کردستان صفحه ۸

### • چهاره های متعدد ضد انقلاب را

### در خوزستان افشا کنیم!

دولت موقت بخاطر ماهیت بورژوازیست در حمله مسئله بسیار مهم و مردم خلقهای ایران عاجز است و عملاً مسئله خلقها را به صورت کلاف سردرگمی درمی آورد که بازگودن آن روز بروز منکسر می شود. عدم شناختی حقوق خلق انقلابی ایران و اعمال سیاست آرام سازی از طریق ریش سفیدی و قسم دادن - انجم برای آنکه فرصت بیشتری برای سرکوب خلقها بدست آید - لاس زدن و بالاس از آن خدمت دشمن با مرجع ترسب - نیروهای مناطق یعنی فئودالها و روسای قبلیسل - نادیده گرفتن حل مسئله ارضی، تکرار اشتباهاتی که رژیم سابق میزد و هرگونه مطالبه برای احقاق حقوق ملی را بیای تحزیه طلبی میگذاشت و بالاخره بسبب نیروهای مغزقی خلقها و عناصر سرسپرده تحزیه طلب فرقی قائل نشدن، هنگی نمودهای سیاست ناسیون - بورژوازی است که دولت تاکنون اعمال نموده است.

در خوزستان نیز قضیه در نتیجه اعمال جنبش سیاسی به و خاتم بیشتر میگردد. روشن است وقتی رهبری نتوانست و نخواست توده های آگاه را بر محور خط مشی و برنامۀ های انقلابی بسیج و سازماندهی کند، راه برای عناصر فرصت طلب و تفرقه افکن و تحزیه طلب و الت دست فراهم می شود.

بهر حال، از یکطرف موضوع حق ملیتها و در این - جا بطور مشخص خلق عرب ایران را نباید تحت - الشعاع برخی انحرافات و توطئه های تحزیه طلبانه - نسالما حثیه غالب ندارد قرارداد - جهنگریهای ناسالم و تحریکات داخلی با خارجی همواره محکوم اند و تنها با آگاهی توده های و راه حلهای انقلابی می - توان آنها را خنثی ساخت.

از طرف دیگر، مسئله سرکوب خلق عرب تحزیه لوی مبارزه با تحزیه طلبی به هیچ رو قابل توجه نیست و این همان شیوهی است که رژیم جنایتکار پهلوی با توسل به آن به سرکوب خلق های می برداغت - کنشار اخیر خوزستان و حمله به خلق عرب و مراکز خلقی از جانب نیروهای ارتش و پاسداران محکوم است. تنها راه مبارزه با تحزیه طلبی و عاملین بیگانه که میگویند خود را در صفوف خلق عرب - جا برزند، رسیدن خلق عرب به خواسته های عادلانه خود در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی است.

ماشین دولتی و بخصوص ارتش، به خود توده هایند، آری برای چنین کسانی تسلیم توده های مردم و سقوط و نه تسلیم پادگانهای ارتش که موجب رشد و ابتکار و فعالیت توده ها و باکبری و جوش ارتش - خلقی می گردد، حکم مس کشنده را دارد. آنها مجبورند که قیام مسلحانه و متهورانه توده ها را کسار امپریالیسم قلمداد کرده و پیروزی واقعی را نکست انقلاب جلوه دهند. این به هیچوجه ضعیف اور نیست. بلکه اگر بجز این بود، می توانست تگفت آور و حتی تک بر انگیز باشد.

### خاطره شهید روحانیت مبارز

### آیت الله سعیدی، گرامی باد

ده سال پیش در روزهای سیاه سال ۴۹ زبانیکه ابریا - لیستهای جهانخوار خلق های ما را وحشیانه غارت میکردند زبانیکه رژیم شاه صدادها را در گلگ خفه میکرد و کجوش های مقاومت را چنان مورد حمله قرار میداد که از شاخه و درخت اثری نماند، در آنروزها در کار مبارزات گوناگون خلق صدای روحانیت مبارز، روحانیت افشار زحمتکش خلق نیز بگوش میرسید چه بسا رساتر و برپایه ستمهای مذ هبی موجود، مؤثرتر - آیت الله محمد رضا سعیدی هنگامیکه از جمع چند صد نفر سرمایه داران امریکائی در اوائل ۴۹ در تهران مطلع شد بیانیه ای صادر کرد و تلاش امپریالیستها و رژیم را که بتخلو غارت مردم ما صورت میگرفت محکم نمود. موضع ضد امپریالیستی آیت الله سعیدی با توجه به انعکاساتی که می توانست در سطح جامعه داشته باشند تنها موجب دستگیری بلکه شکنجه او تا سرحد شهادت گردید. در همان زمان مهتد نیک داود کی صدها مبارزین نام و نشان دیگر نیز شهید گشتند و هریک مشغلی شدند که شیبستان تاریک کشور ما را بتد بیخ طلی سالهای ۵۰ روشن کردند و پس از قیام های سراسری سرانجام در بیستم ماه ۵۷ خرمین رژیم شاه خائین را باشتی کشیدند. یاد همسۀ عزیزان خلق منجمله آیت الله سعیدی که جان در راه ایمان و عقیده خویش و در جهت پیروزی زحمتکشان گذارند، هرگز می پیام آور حفظ هیبتگی و اتحاد خلاق نیروهای ضد امپریالیست خلق است. این پیام را پاس داریم.

### ما در کجای تاریخ قرار داریم؟

جبهه ملی ایران - تشکلات خوزستان در رابطه با مسائل این منطقه بیانیه ای منتشر ساخته و ضمن آنکه خواستار شده تا به " مردم و مملکت روشن شود " که " ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده ایم، شروع به ابراز نظر نموده است.

بهتر است بدون هیچ مقدمه ای به درس تاریخ آنها گوش فرا دهیم.

درس اول: تسلیم پادگانهای نظامی در روزهای پیروزی انقلاب و پیش شدن املحه در بین مردم ... تا - شد کشته این نظر بود که امپریالیسم در مدداست که انقلاب را با عد انقلاب سرکوب کند. ( کیهان ۱۷ خرداد، اعلامیه مذکور ) نتیجه گیری: تسلیم پادگانها و تسلیم توده ها خواست و نقشه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب؟ با عد انقلاب بود.

چهارم: آموزی تکراری! روشنفکران بورژوازی ما چقدر خوب دست خود را رو کرده و کار مارا آسان و تکلیف توده ها را روشن می سازند. این آقایان که تا همین اواخر با افتخار عنوان می کردند که بسرای آنها " شکل حکومت " یعنی سلطنتی جمهوری، مهم نیست ( از محابه های سنجاسی ) ... بلکه مهمم دمکراسی است و نه توده ها چنین وانمود می کردند که گویا شکل حکومت با محتوای آن ربطی نداشته و در سلطنت و آنها سلطنت شاه جلد نیز وجود دمکراسی امکان پذیر است و بدین ترتیب به تظهر و تقدیس چهره جهانخوار شاه برداخته و توده ها را به سازش و بند و بست با سلطنت دعوت می نمودند.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# حماد شیبانی را آزاد کنید!

## گرامی باد خاطره مجاهد شهید: رضا رضائی



۲۵ خرداد ۵۲ مجاهدی در لیبوی بازی خستگی ناپذیر که همچون دیگر همزمانش جان خویش را در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و در جهت پیروزی زحمتکشان خلق گذارده بود بدست دژخیمان ساواک شهادت رسید. مجاهد رضا یگسال و نیم در سخت ترین شرایطی که آنروزها بر جامعه ما و بر سازمانهای انقلابی میگذاشت با شکیبایی و احساس مسئولیت انقلابی رهبری سازمان مجاهدین را بر عهده داشت. آنچه در اینجا گفتنی و تأکید بر آن است چیزی است که رضا و همزمانش در مبارزه اختیار کرده بودند و آن عبارت بود از منابع زحمتکشان تین انتشار جامعه را در بد نظر قرار دادن در همین رابطه است که رضا بین خط مشی مجاهدین و خط مشی آنها که صلحت اندیشانه بود از حمایت مجاهدین میزد. تا طاعنه خط ناصلی می کشید. برای مثال در مورد یکی از افراد پرمعده ای فرصت طلب که امروز بقامات عالی هم رسیده است، رضا گفته بود: «وقتی عالی های کرمانی چند لایه را از زیر پایش بیرون کشیدیم آنوقت معلوم میشود که چند طرندار ما است.» این بود چشم انداز راهی که رضا می پیوندد.

خونخوار داخلی و خارجی در بانکها صحنه گذاشته است. دوکلمه «مشروع» و «مشروط» همان کلاه سرخی معروف برای درامان نگه داشتن این سرمایه ها، از «خطر» معادله به نفع خلق است. معلوم نیست سرمایه دارانی که سالیان دراز نیروی کار زحمتکشان ما را استثمار زکرده اند، سالیان دراز تولید کنندگان و فروشندگان کوچک را غارت کرده اند، سرمایه دارانی که چند برابر سرمایه اولیه خود را یا سه خارج برده اند یا صرف عیاشی و خوشگذرانی های خود کرده اند به چه نحوی حق مالکیت «مشروع» و «مشروط» می توانست داشته باشند؟ معلوم نیست سرمایه داران غارتگر امپریالیستی و دلان داخلی آنها، که ساواک و ارتش فد خلقی و غیره و غیره همه برای حفظ منافع آنها، پاسداری از غارتگری آنها، و تضمین بقای آنها بوجود آمده بود. چگونه مالکیت شان از جانب «دولت موقت» - مشروع و «مشروط» تلفی میشود. واقعا آیا حتی یک سرمایه دار بانکی (اعم از خارجی و داخلی) میتواند در سیستم گذشته مالکیت مشروع و «مشروط» داشته باشد؟ یا معنای «مشروط» و «مشروع» از جانب بورژوازی و از جمله «دولت موقت» چیز دیگری است؟

ادامه از صفحه اول ملی کردن...  
انقلابی و تمام نیروهای ملی و دمکرات و ضد امپریالیسم، یعنی بر شمار ملی کردن بانکها (با همان محسوساتی که گفتیم) و تحقق این خواست اساسی بوده. ما تا کنون می گردیم. در این میان از جانب نیروها و عناصر خلقی که در سیستم حکومتی فعلی شرکت دارند نیز تمایلات مشخصی در مورد برآوردن این خواست دیده می شود (نظیر مواضع جاما و دکتر سامی) که عمدتاً بر همان اصل مذکور یعنی قطع سلطه سرمایه های خارجی از بانکها (منتخبی با همان سیاست خاص خود) تکیه می نمود.  
اما «دولت موقت» و سایر مخالفان بورژوازی شعار ملی کردن واقعی بانکها (و اعمال نظارت انقلابی بر آنها) را همانند دیگر خواسته های توده های ستم دیده که بخاطر تحقق آنها انقلاب کرده اند، غیر عملی و چیکرایانه ارزیابی کرده و در مقابل به سیاست بورژوازی خود در حفظ سیستم قبلی بانکها از طریق کمک مالی و دادن تضمین به آنها اذمه می دادند. همین فر رشتن سازمان برنامه در این مورد غمگین کمرنگ جلوه دادن اعمال غارتگرانه صاحبان سهام عمده این بانکها (مؤسسان و سرمایه گذاران اصلی آنها) می گوید:  
«ملی چند ماه گذشته بانکهای عمومی... از بانک مرکزی میلیاردها ریال وام گرفته اند تا بتوانند تعهدات خود را انجام دهند و از طرف دیگر وضع برخی از بانکهای عمومی... بنحوی بود که اگر کمک های دولت... به آنها قطع میشد احتمال ورشکستگی آنها وجود داشت...»  
هیئتطور. حتی مواردی بود که از جانب مقامات بانکی «دولت موقت» مسئله ملی شدن بانکها منتفی اعلام میشد...  
● **ناچاری دولت**  
اما برای دولت ادامه این سیاست چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی ناممکن بود:  
از لحاظ سیاسی، فشار توده های ستم دیده و آگاه و نیروهای انقلابی که خواستار قطع کامل نفوذ امپریالیست ها از بانکها بودند، از یکطرف و عملکرد و فشار نیروها و عناصر ریکه در سیستم حکومتی شرکت دارند - از درون این سیستم - مانع از ادامه وضع بانکها بصورت سابق نبود.  
اما از لحاظ اقتصادی، حل بحران همه جانبه اقتصادی و نجات دادن سرمایه داری از این بن بست و رکود، سرمایه داری ایران را با مسائل مبرمی در رابطه با بانکها روبرو میکرد که ما اشاره کوتاهی به برخی از آنها می کنیم.  
اول اینکه سیستم بانکی موجود به لحاظ فرار سرمایه ها از جانب مداران اصلی آن و عدم پرداخت دیون از جانب توده های خرده پا که این عدم پرداخت علاوه بر فقر اقتصادی دارای جنبه های مشخص سیاسی نیز - که ناشی از فقرت این توده ها به بانکهاست - می باشد، بدین ترتیب با عدم پرداخت این دیون، بانکها عملاً در معرض ورشکستگی قرار دارند.  
دوم اینکه بدلیل همین فقر و ورشکستگی، مبادلات بازرگانی و معاملات دیگر خارجی و داخلی، که بر اساس سیستم بانکی صورت میگردد دچار اشکالات اساسی است.  
بنابراین سرمایه داری ایران برای خروج از این بن بست، می باید حداقل به یک رفوم هرچند سطحی تن دردد تا بتواند توده های بدهکار خرده پا و متوسط را وادار به پرداخت دیون خود (این بار نه به بانکها بلکه به دولت موقت «انقلابی») از یک طرف و ایجاد تحرک در زمینه مبادلات بازرگانی و معاملات دیگر... نماید. و با توجه به اینکه این رفوم بیشتر برای نجات سرمایه داری صورت میگیرد ما شاهد بی توجهی به اساسی ترین خواست توده ها هستیم. تا کنونی که در قانون «ملی کردن بانکها بر حفظ حقوق سرمایه های امپریالیستی و دلان داخلی آنها با عنوان... ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط...» شده است بخوبی نشان میدهد که «دولت موقت» از موضعی که توده ها خواستار ملی کردن بانکها هستند، عملی نگردد است. بلکه بالعکس بر «حق» مالکیت سرمایه داران

## قطعه نامه

بیمار شرکت کنندگان در میتینگ شهم زوشن در شهران به جیهه خلق برای آزادی عمان:  
دوردماد و کلمه توده های مبارز ایران را به بن بست چهاردهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان بیدیدید. توده های ما مبارزات دلیرانه خودیوسوه با مبارزات یکسال و نیم گذشته و قیام مسلحانه، بیستم ماه توانستند در میانه ساله سلطنتی و سه ماهه آزادی را سرنگون کنند و این کابوس ارتجاع و امپریالیسم رانه تنها از سرخود بلکه از سرنامی خلقهای منقله دورنمایند. اینک ما پس از برداشتن اولین گام پیروزی و درگاه لیکه همچنان برای قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و بقای ای ارتجاع مبارزه میکنیم، اعلام میداریم که مبارزات شما همیشه موردتائید و ستایش توده های مبارز ما بوده و هست. خلقهای ما همچنان تاروشه کن کردن کامل امپریالیسم از ایران و دیگر نواحی منقله به مبارزات خویش، دست در دست شما، ادامه خواهند داد.  
همزمان گرامی!

- ۱- ما مبارزات عادلانه خلق شما را در راه آزادی عمان تشای پیروزی کامل تایید میکنیم.
  - ۲- ما اقدامات ارتش شاه سابق را علیه خلق و انقلاب شما محکوم میکنیم و خواستار مجازات مرتکبین آن هستیم.
  - ۳- ما منتقدیم که در برابر شما همه جا تابه امپریالیسم و ارتجاع باید صف متحدی از خلقها و نیروها منقله بوجود آید. اتحاد خلقهای ما و خلق عرب در عمان و فلسطین و جاهای دیگر پیوندی ضروری است.
  - ۴- ما هرگونه سرپوششها در برنجامات ارتش شاه در عمان و هر گونه بی اعتنائی با انقلاب عظیم خلق شما را محکوم نموده آنرا صحنه گذاردن بر مواضع رژیم شاه ارزیابی میکنیم.
  - ۵- ما منتقدیم هم نگوته که انقلاب فلسطین بحق در ایران نما بندگی دارد. داشتن دفتر نما بندگی برای کمک به پیشبرد مبارزات دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلق عمان نیز ضروری است.
- با درود فراوان به شهدای انقلاب در ایران و عمان
- اجتماع کنندگان در میتینگ شهم زوشن (۱۹ خرداد) شهران

ادامه از صفحه اول «بزرگداشت»...  
انقلاب ملی سالهای گذشته پیهمه، حملات امپریالیستها و مرتجعین عرب و دخالت ارتش شاه سابق برای سرکوب انقلاب و همچنین اوضاع کنونی جنبش انقلابی عمان و جلوه های هیستری و روابط بیمن انقلاب عمان و انقلابیون ایران مورد بحث قرار گرفت. سپس پدر رفیق حماد شیبانی چریک فدائشی خلق، در برابر دستگیری فرزندش و اعتصاب غذایی صحبت کرد و جمعیت با فریاد «حماد شیبانی آزاد باید گردد» حمایت خود را از این مبارز زندانی و بطور کلی از ضرورت موقوف شدن هرگونه اقدام علیه نیروهای انقلابی ایران دادند. سپس یکی از هموطنان مبارز و سالخورده قطعه شعری را که در حمایت از مبارزات خلق عمان (ظفا) پیروده بود قرائت کرد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. بیامهای نیز از سوی دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، شورای موسسان کنون دیپلمه های بیکار شهران گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست - بیکار خلقی - دانش آموزان مبارز و گروهی از کارگران بیکار قرائت گردید. ناگفته نماند که بخاطر طرف نظر کمیته برگزار کننده در برخی بیامها موشگرمیها بی اتفاقا شده که از آنجا نظر کنفرانس وحدت نمی توانست باشد. سپس قطعه نامه میتینگ از سوی اجتماع کنندگان تصویب گردید که متن آنرا در همین شماره ملاحظه مینمائید. در پایان، فیلم «دقت ما تکت التحریر بک ما استعمار» - «لحظه آزادی فریاد رسید. استعمار گورت را کم کن» - که یکی از بهترین فیلمهای است که در سار انقلاب عمان پیش از حمله ارتش شاه به مناطق آزاد شده ظفار تهیه شده - نمایش داده شد.  
ما امیدواریم این تحلیلات سراز از معرفی بیشتر انقلاب عمان به مردم مبارز ایران بوده و در تحکیم همبستگی با خلق قهرمان عمان که خود از قربانیان رژیم شاه خاشمی می باشد، کمک کند.  
کمیته تبلیغات سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز در بزرگداشت این روز تقویم دیواری ویژه ای که با شما و بری از انقلابیون عمان زینست یافته همراه با شورای از سرودهای انقلابی عمانی منتشر ساخت.

**از انتشارات جدید سازمان:**

تعمیر و تحولیات ترونی سازمان مجاهدین خلق ایران (۵۳-۵۲)

سازمان بیکار در راه آزادی فلسطین

**هموطنان مبارز!**

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر-آباد جنوبی سابق) واریز نمائید.

**کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر-آباد جنوبی سابق) واریز نمائید.**

طرف و چگونگی مبارزه بر علیه تمام آن موسسات ( سازمان و اتحادیه هائی) که برای ادامه استعمار جابراشه ملاکین و سرمایه داران وابسته به وجود آمده اند بستگی پیدا کرده است. در این میان هر جریائی که بخواهد این مرزبندیهای عریان طبقاتی را با برده های اوهام انگیز و مردم فریبی مخدوش سازد علاوه بر منافع خلق فریب میزند. جریائی که اینهمه حقایق فولادین جامعه ما را با رنگ اسلام و غیر اسلام مشخص میکند، فراموش میکند که ماسک اسلامی زدن برای فلان فتوادلی برینا با فاسد و تا مغز استخوان ضد خلق، کاری ندارد. در حالیکه همین فتوادلی با هرگونه راه حل مسائل ارضی، که زمین را از دست او خارج سازد و حق را به حق دار بدهد و دهقانان شخمیده را از دست او خلاص سازد سرچنگ دارد. در زیر یکی از بیانیه های دهقانان یک منطقه را که در خواست هایشان نه مذهبی و با غیر مذهبی بلکه آنگار نشانه قیام بر علیه ستم و جور است، میخوانیم. فتوادلیها دشمن اند، دولت موقت "لقب" است. این استدلالی که دهقانان از زندگی سرتاسر رنج خود ارائه میدهند:

جنبشهای دهقانان در طی این سالها به ستم ماه اوج تازه ای یافته است. در تاریخ مبارزاتی همین ما هیچگاه جنبشهای دهقانی و ملی تا به این حد از رشد و شور و زندگی دست نیافته بودنتند. قطب بندی طبقاتی در مناطق روستائی و بخصوص مناطق مسکونی ملیتها شدت در حال تکوین است. سازمان توده های تحت ستم، دهقانان رنج دیده از یک طرف، و فتوادلیها و مرتجعین از جانب دیگر به سرعت دارد شکل میگیرد. دهقانان ستم دیده برای نابودی بقایای سیستم کهن و جابراشه، و برای دست آوردن حقوق حقه خویش در حال ایجاد و گسترش اتحادیه های انقلابی خود هستند. در همان حال فتوادلیهای محلی و مرتجعین نیز برای حفظ مناسبات کهن، اتحادیه های ضد انقلابی و ضد خلقی خود را بوجود می آورند. در حالیکه در بسیاری مناطق حمایت دولت موقت و برخی کمیته ها را پشت سر خود دارند.

سرنوشت انقلاب دمکراتیک و فد امپریالیستی مردم شخمیده همین ما پیش از پیش وابسته به چگونگی و بقا و رشد این قبیل موسسات خلقی از بسک

## بیانیه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی

بسم الله الرحمن الرحیم

ما کشاورزان و خوش نشینان روستاهای منطقه تیلکوی شهرستان سقز روز دوشنبه مورخ ۵۸/۲/۱۷ ساعت ۲ بعد از ظهر به منظور اتحاد و اتفاق بیشتر با هم و در جهت پیشبرد اهداف خود و مقابله با هر خطری که جان و مال و ناموس ما را تهدید میکند در روستای جنبان جمع شده و انجام خواسته های خود را بشروح زیر از دولت موقت اسلامی و رهبری امام خمینی خواستاریم:

- ۱- با اینکه آیت الله طالقانی و داریوش فروروزی وزیر کار و امور اجتماعی و احمد صدق حاج سید جوادی وزیر کشور خواستهای بر حق ملت کرد را تأیید کرده اند، که همان قطعنامه ۸ ماده ای مهاساد و قطعنامه سندج میباشد ولی متأسفانه تا کنون دولت موقت در این مورد سکوت کرده و هیچ گونه اقدامی ننموده اند بلکه دولت موقت برنامتهای رادسوی کردی را بدون اینکه دلیلی داشته باشند قطع کرده اند. ما بار دیگر خواستهای بر حق خود را تکرار میکنیم و شیخ عزالدین حسینی را تشنه نمائید و سنگساری ملت کرد با دولت موقت میدانیم.
- ۲- در مورد دایر شدن باسگاههای ژاندارمری در منطقه انتخاب روستا و افراد انتظامی (پیشمرگه) باید با نظارت و تأیید شایندگان اتحادیه ده نشینان انجام گیرد.
- ۳- تعیین فرماندار یا پدیارای مردم شهری و روستا صورت پذیرد.
- ۴- تعیین بخشدار که حوزه ما فوریش در سطح روستاهای منطقه است باید با نظارت و تأیید شایندگان اتحادیه ده نشینان صورت گیرد.
- ۵- توجه به بهداشت روستاها و احداث دایر نمردن دریا نگاهار، دستاها منطقه.
- ۶- احداث دایر نمون حمام و تأمین برق برای تمام روستاهای منطقه.
- ۷- تأمین آب آشامیدنی روستاها و اقدام در مورد تأمین آب کافی برای آراخی مزروعی از طریق حفر چاه عمیق و تنیم عمیق و قنات و بستن سد بر روی رودخانه ها.
- ۸- دادن وام دراز مدت و بدون بهره به کشاورزان و دامداران و خوش نشینان.
- ۹- چنانچه بذر و کود سهمیه این شهرستان از مرکز ارسال شد تقسیم آن در بین روستائیان با نظارت اتحادیه ده نشینان باید صورت گیرد.
- ۱۰- اقدامات عمرانی در مورد نوسازی های کشاورزی و ساختمانی و احداث جاده شونه برای دهات.
- ۱۱- خلع سلاح نمودن فوری محمد صدیق خان جاف و قطع کمک و اعراج دوازدهم خود فروش قیاده بوقت.
- ۱۲- محکوم نمودن شورای عثاری که بوسیله فتوادلیهای ضد خلقی و مرتجع محلی در شرف تاسیس آن است و در ضمن مالکاتی که مانند ما زمینکنند و با فتوادلیها رابطه ای ندارند برادر ما هستند.
- ۱۳- برخوردی برپا داشته شود جهت فساداتی که در کشاورزان.
- ۱۴- لغو اجاره بهای ساختمانی از خوش نشینان بوسیله مالکان.
- ۱۵- فروش کتدم به خوش نشینان به منظور استفاده خود و خانواده شان از طرف اداره غله به قیمتی که به نانوایان شهر فروخته میشود.
- ۱۶- ما با تمام قدرت پشتیبانی خود را از اتحادیه دهقانان (به کبیته جونیواران) مریسوان و هورامان - کامیاران - سرشت اعلام میداریم.
- ۱۷- ما شدیداً جنگهای خمیلی و خانمان سوز - سندج - گنبد کاووس - نغده را محکوم میکنیم و خواستار مجازات عاملین و مسببین این واقعه های جان کداز میباشیم. از دولت موقت میخواهیم که در این موارد سکوت ننماید چون بی توجهی دولت موقت جمهوری اسلامی باعث هرج و مرج و ناامنی در منطقه میگردد. و تا کنون ثابت شده که سکوت دولت باعث تقویت ارتجاع شده است.
- ۱۸- ما عمل خائنه مالکین مرتجع ارومیه - سلماس - علیه دهقانان آن منطقه را محکوم و پشتیبانی خود را از دهقانان آواره شده اعلام میداریم.
- ۱۹- ما کشاورزان از دولت موقت میخواهیم که محصول کشاورزی را به قیمت عادلانه خریداری نماید و نشانه ده کشاورزان در ضمن نرخ محصولات شرکت داشته باشد.

اسامی روستاهای شرکت کننده در جلسه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی:

- ۱- جنبان
- ۲- ایراب
- ۳- قلمسه جقه
- ۴- ایرانشاه
- ۵- فامین آباد
- ۶- شریف آباد
- ۷- شمس
- ۸- شیمانقلعه
- ۹- تازه آباد
- ۱۰- باسماق
- ۱۱- جعفرخان
- ۱۲- گاو گچ علیا
- ۱۳- گاو گچ سفلی
- ۱۴- علی آباد
- ۱۵- تخت
- ۱۶- ایچوب
- ۱۷- تهرینک
- ۱۸- شاشاکل
- ۱۹- چناره
- ۲۰- خانه میران
- ۲۱- سیدآباد
- ۲۲- چایان
- ۲۳- قلمه کاه کور کور
- ۲۴- قره کل
- ۲۵- قاجان
- ۲۶- فتاح آباد
- ۲۷- کانی سیدنگوه

سنگر ما این بیانیه یکی دو موضوع مهم را در رابطه با خواستهای دهقانی از قلم انداخته و نسبت به آن توجه نکرده است. یکی موضوع مهم و بسیار

مهم ما این بیانیه یکی دو موضوع مهم را در رابطه با خواستهای دهقانی از قلم انداخته و نسبت به آن توجه نکرده است. یکی موضوع مهم و بسیار

ادامه از صفحه اول ماه ۵۸...  
درین دوم: "تیراندازی های چند روز گذشته (خوزستان) ... نتیجه شکستهای سیاسی بود که مناسطانه در مرکز وجود داشت" (هماختا)  
نتیجه گیری: دولت میبایستی خیلی زودتر از این به سرکوب خلق عرب می پرداخت.  
دولت از اینکه پس از کردستان و گنبد، به سرکوب بیرحمانه خلق عرب پرداخته، مغمور نیست، بلکه شکوه و گلاشه بیبیه ملی از دولت این است که چرا زودتر از این و شدیدتر از این به سرکوب خلقها و باستانی حقوق ملی آنها و اعمال ثوونیم نیردا... خفته است!  
از نظر جنبه ملی دولت از این لحاظ که حقوق حقه خلقها را نادیده میگیرد و مانع رسیدن آنها به خواستهای عادلانه میگردد به هیچوجه مغمور نیست. بلکه گناه و شکستهای بی جای او در آنست که از همان اول با قدرت تمام و به زور اسلحه به سرکوب تودهها و اعمال نامورکامل خلقان و ثروتموتول شده، تا خلقها نتوانند حتی خواستهای خود را نیز بیان داشته و برای سوزواری در دسر ایجاد کنند.

درین سوم: "از یکطرف روابطن را با بخشی از دنیا سیره مناسطانه تا در مجموع دنیای عرب و بالاضافه به نیت فلسطین کمک کنیم، از طرف دیگر همینها که میبایستی صمیمانه دست دوستی ما را بفتارند، مسلم تربیت چریک به مین ما گسیل می کنند"

نفرت و خشم بی پایان این آقایان را از اینکه روابطن عادی با نیت فلسطین برقرار شده است، نگاه کنید!  
این آقایان روشننگران سوزواری جقدرنا راحت اند که چند روزی روابطن امپریالیستها عکس آب شده است. و جقدر کم تحمل اند که چند روزی قیصر کیمیا آمریکا در ایران را نمی بینند!  
آنها می خواهند بهر نحوی که شده ثابت کنند روابطن خلقها به نفع دولت یعنی به نفع سوزواری نیست و همخوانی خود را در دولت تصحیح میکنند تا سر غل بسایند. اما آنها فراموش کرده اند که خلقهای ما با تجربه کردن ۱۵ خرداد و قیام - های سال ۵۷ و بالاخره قیام سپهر ۵۷ مهر باطل سز نام شوبه های پشتیبانی و تسلیم ظلمی سران جنبه ملی زده اند و امروز مردم ما با پوست و گوشت و استخوان خود احساس میکنند که وقتی "آقای سنجایی" می گوید که:  
"ملت استعما من مخالفت با دولت نیست، بلکه مخالفت با بی دولتی است"  
منظورش این نیست که دولت در اینکه در راه ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی یعنی قطع طلسم و نفوذ امپریالیسم مانع ایجاد می کند، در اینکه حقوق ملی خلقها را به رسمیت نمی شناسد... مورد انتقاد می باشد، بلکه فقط از این جهت قابل مخالفت است که با برقراری دیکتاتوری، قطعنامه از منافع سوزواری و اربابان دفاع نمی کند. خلقها را با جبارت و قدرت هرجه بیشتری سرکوب میکنند... تاریخ جقدر خوب واقعات را روشن ساخته و نشان میدهد که جنبه ملی در کجای تاریخ قرار دارد!

## سخنان یک روستایی

یکی از روستائیان بی زمین روستای حمید از اطراف ماسدو آب می گفت: ما در رژیم گذشته از همه چیز محروم بودیم، زیر ظلم و ستم اربابان و ژاندارمهای دولت بسر می بردیم، آواره شهرها شده با مزد های کم بی خبر از زن و وجه مان برای سرمایه داران کار می کردیم. آن موقع که دولت وام کشاورزی می داد به ما می گفتند: وام کشاورزی را به آنها بیکه زمین دارند میسودیم.  
بعد از آمد وقتنی دولت میخواست بروستائیان وام دهد ما نیز مراجعه کردیم ولی بی گفتند: قبالته ندارید. گفتیم: زمین های ما را اربابها گرفته و پس ندانند. ولی آنها قبول نکردند. چرا حالا که دولت اسلامی خود را حامی زمینکنندگان قلمداد می کند آن جوابی را که دولت گذشته بی ما داده به ما می دهد تازه وام را به کتا ووزان ما بهره می دهند در صورتیکه قبل از انقلاب می گفتند در دولت اسلامی از نزول و بهره گیری نخواهد بود.

مقدمه

در شماره قبل توضیح دادیم که بیکاری در رژیم سرمایه داری امری ناگزیر است. و گفتیم که حاکمیت رژیم سرمایه داری وابسته بئر مین ما، به بیکاری ایجاد بسیار بزرگتر و گسترده تری داده است. همچنین توضیح دادیم که حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورتی ممکن میگردد که رژیم سرمایه داری وابسته سرنگوی جمهوری دمکراتیک خلق، به رهبری طبقه کارگر جابگزین آن گردد. در عین حال که حل قطعی و نهائی مسئله بیکاری صرفا در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر میگردد.

و به نقش دولت موقت اشاره کردیم و نشان دادیم که بطور عملا در مقابل خواستهای اساسی و اصولی توده های خلق ما و بخصوص طبقه کارگر مقاومت مینماید و به همین دلیل، هرگز قادر نخواهد بود به مسئله بیکاری جواب قطعی بدهد. در این شماره ما به طرحهای مختلفی که تا بحال در مورد تامین زندگی کارگران بیکار - چه از طرف کارگران و چه از طرف دولت موقت - عنوان شده است، میپردازیم.

قسمت دوم - " طرح "

ما گفتیم که اصولا حل " قطعی مسئله بیکاری در رژیم سرمایه داری نه فقط ممکن نیست، بلکه سرمایه داران برای پاشن نگه داشتن سطح دستمزدها و مقابله با مبارزات کارگران و... همواره مایلند که در صدی از کارگران بیکار باقی بمانند. در ضمن واضح است که دولت فعلی به علت خفتند انقلابی و ضد کارگری خود، همانطور که تا بحال در عمل نشان داده است، قادر نیست گره گشای مسئله کارگران بیکار و بیکاری باشد. اما این بدان معنی نیست که کارگران از هرگونه کوششی برای بدست آوردن حقوق خود از همین دولت، چشم پوشی کنند. کارگران در عین حال که معتقدند حل قطعی مسئله بیکاری نه تنها توسط این رژیم بلکه توسط هیچ رژیم سرمایه داری دیگری ممکن نیست، باید با شکل هرچه بیشتر خود و اعمال فشار، دولت را به عقب نشینی و دادن امتیازات بیشتر وادار نمایند.

سوالی که در اینجا برای ما مطرح میشود این است که این شکل چگونه بایستی باشد، و کارگران حول کدام طرح اصولی بایستی گرد بیایند تا موفقیت آنها در عقب نشاندن رژیم و کسب امتیازات از آن، موفقیت آمیز باشد؟

کدام طرح برفع کارگران است؟

در مورد چگونگی این شکل ما در شماره آینده صحبت خواهیم کرد. در اینجا میپردازیم به اینکه کارگران بیکار از ابتدای شروع مبارزاتشان چگونه طرحهای را در دستور خود قرار دادند، و کدامیک از آنها اصولی و صحیح بوده است، از طرف دیگر دولت چه طرحی را ارائه کرده و با طرح کارگران چه برخوردی داشته است؟

به تدریج و همراه با شدت گرفتن بحران سیاسی- اقتصادی رژیم منگور پهلوی، مبارزات کارگران بیکار در اشکال مختلف شروع شد. عمومی ترین شکل این مبارزه، تخمین در کارخانه ها بود. سرمایه دارها، وقتی اوضاع را نامسا من دیدند (از نظر خودشان) و خطر را احساس کردند، دسته دسته فرار میکردند و سرمایه های کلانی را به همراه خود می بردند. آنها می رفتند و کارگران در کارخانه ها بیکار مینمودند. کارگرانی که یک عمر مورد اجساد و استثمار قرار گرفته بودند، باز هم در شرایط سخت تری قرار میگرفتند. تخمین های زیادی مضمومادر تهران و شیراز و آبادان و امپهان بر پا شد. ولی کم کم فکر راه پیمائی مستقل کارگری در کارگران پیدا میشد و حتی بیکار توسط کارگران سیمان ری نیز در تهران نظا هرات مستقل کارگری انجام گرفت.

بعد از قیام این سیر تکاملی ادامه یافت. کارگران در نظا هرات خیابانی و تخمین های مختلف خواستهای به حق خود را مطرح میکردند. اولیین

خواست آنان " حق کار " بود. کارگران کار میخواستند. آنها میگفتند: " ما کار بدهید تا کار کنیم و تخم زنی و بچه هایمان را حداقل مثل گذشته نیمه سیر نگه داریم."

کارگران میگفتند:

" سرمایه داران داخلی و خارجی وقتیکه کارها نه ها کارشان رونق داشت با دستمزد های ناچیزی ما را استخدام میکردند. حالا که دولت جدید سرکار آمده و به برکت قیام مردم بسیاری از سرمایه داران فراری شده اند، باید برای ما " کار " تهیه کنند. ما کار می خواهیم تا در سازندگی مملکت سهمیه باختم."



دولت موقت که از تامین کار برای کارگساران بیکار عاجز مانده است، در مقابل طرح "حق بیکاری" کارگران به شدت مقاومت میوزد و بالاخره تحت فشار کارگران بیکار، برای خالی نبودن عریضه در روز ۵ شنبه ۵۷/۱۲/۲۴، طرح "وام بیکاری" را اعلام میکند. طبق طرح "وام بیکاری" دولت: (\*\*)

طرح وام بیکاری دولت

- ۱- وام بیکاری با معرفی آخرین کارفرما پرداخت میشود.
- ۲- این وام به کسانی که بدون میل و اراده خود بیکار شده اند، پرداخت میشود.

بیکاری، علل اساسی، راه حل های اساسی و دولت موقت "انقلابی"

- ۳- پرداخت این وام ۱۰ روز پس از ابلاغ به وزارت کار شروع میشود.
- ۴- این وام به کسانی که ۲۶ سال کمتر و ۶۰ سال بیشتر نداشته باشند، پرداخت میشود.
- ۵- شرط استفاده از وام، پرداخت حق بیمه لاقبل یکسال متوالی و پیوسته از آغاز سال ۱۳۵۲ است.
- ۶- کارگران ساختمان های بیکار پیوسته بیا منقطع در کارگاه ساختمانی مورد قبول وزارت کار کار کرده اند، از شرط پرداخت حق بیمه معافند.
- ۷- میزان وام پرداختی این صندوق به کارگران مجرد ۲۵۰ تومان و متاهل ۴۰۰ تومان است.
- ۸- برای فرزندان کارگر بیکار ۵۰ تومان در نظر گرفته میشود.

- ۹- در هر خانواده که زن و شوهر هر دو واجد شرایط باشند، تنها به یک نفر وام پرداخت میشود و اگر در یک خانواده زن یا شوهر کار کند، وام به کارگر بیکار پرداخت نخواهد شد.
- ۱۰- دریافت وام بیکاری از ماه اول به بعد موقوف به شرکت کارگر در دوره های آموزشی بالا بردن تخصص و بالا بردن مهارت است.
- ۱۱- دریافت کننده وام پس از اشتغال دوباره به کار ۱۰٪ از کل حقوق و مزایای خود را باید به صندوق پرداخت کند.
- ۱۲- وزارت کار مکلف است پس از ۶ ماه از تاریخ تصویب، پیشنهاد لازم برای این صندوق بیمه بیکاری تدوین کند.

چرا وزیر کار از طرح وام بیکاری دفاع میکند؟ کارگران طی مذاکرات خود با وزیر کار و معاونین وی و طی گروه های مشاوران به این طرح اعتراض کردند. کارگران بطور اصولی بر روی "حق بیکاری" با فشاری نمودند. (تخمین در وزارت کار) و احقاق حق بیکاری را به عنوان حق مسلم خود دانسته، طرح "وام بیکاری" را توطئه ای از جانب رژیم دانستند. بد نیست برای فهم میزان اهمیت "حق بیکاری" برای رژیم به سخنان دیویشن فوروهر در اول فروردین ۵۸ در تخمین کارگران بیکار توجه کنیم. وی در این روز گفت:

"... توضیح دادم که این طرح به پیشنهاد وزارت کار و تصویب هیئت وزیران و تأیید شورای انقلاب بوده است و من اکنون توانایی دیگری آنرا بالشخص ندارم..."

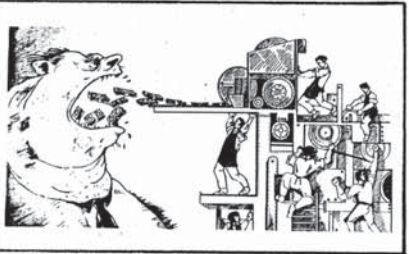
وی در مورد پیشنهاد ۱۲ ماده ای کارگران بیکار که در آن بر روی "حق بیکاری" با فشاری شده بود، گفت:

"شرف کارگری به کارگر اجازه نمیدهد که بلا مؤس (!) پول بگیرد، و میخواهم که این طرح وام بیکاری دقیقا به صورت یک وام باقی بماند..."

به این ترتیب روشن میشود که زمانیکه کارگران در ضمن ها و اعتراضات خود حق بیکاری میخواهند، وزارت کار و هیئت وزیران و شورای انقلاب با جلوه طرح "وام بیکاری" گذاشی را تصویب نموده اند،

اما گوش دولت به این حرفها بدهکار نبود. کارگران ملی شدن بانکها، ملی شدن سرمایه ها و صنایع بزرگ و وابسته، معادله زمینهای زمینداران بزرگ و وابسته را می طلبیدند و بندرتی تشخیص میدادند که حل مشکل بیکاری از این طریق میسر است. اما دولت در عوض به کمک رساندن به سرمایه داران بزرگ و به کوشش برای برگرداندن سرمایه داران فراری مشغول بود!

بعد از "حق کار"، کارگران "حق بیکاری" میخواستند. آنها می گفتند تا زمانیکه دولت برای ما کار تهیه نکرده است، می باید بیا "حق بیکاری" بدهد. باید پولی بدهد تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم بعدا دوباره کار کنیم. ما باید تا زمانیکه کار پیدا نیابیم دستمزد کم زن و بچه هایمان را سیر نگه داریم. کارگران می گفتند که در تمام کشورهای اروپائی و پیشرفته کارگران "حق بیکاری" میگیرند و در کشورهای سوسیالیستی زندگی شان از طرف دولت (کارگری) تامین است. ما هم در اینجا "حق بیکاری" می خواهیم. دولت باید با تائین "صندوق بیمه بیکاری" هر ماهه حداقل هزینه زندگی کارگران و خانواده شان را بدهد. آنها بپردازند. کارگران در تبریز، آبادان، تهران، امپهان و در شهرهای شمال و... همگی خواهان "حق بیکاری" بودند. کارگران پیشرو بیکار در مدد بودند که با تشکیل سندیکا یا کارگساران پروژه ای (فعلی) و با کانون کارگران بیکار کارخانه ای، خواست خود را به دولت مقبولانند. آنها برای کارگران توضیح میدادند که "حق بیکاری" حق آنهاست. صدقه سرمایه داران نیست، حق بیکاری



چیزی جز قسمت کوچکی از دستمزد واقعی کارگران نیست که سالها به وسیله سرمایه داران به بیجا برده شده است. سرمایه داران و کارگران را استثمار کرده و هنوز هم استثمار میکنند. پس می باید در دوران بیکاری آنها را تامین نمایند. کار بیکاری را همین سرمایه داران با سودپرستی هایمان به وجودنیاورده اند؟ مگر طبقه کارگر توسط سرمایه داران استثمار میشوند؟ کارگران آگاه معتقد بودند بیا شکل کارگران در سندیکاها و کانون بیکاران و ارائه طرح "حق بیکاری" و فشار به دولت برای پذیرفتن این طرح، موفق میشوند. ( )

( ) - روز شنبه ۱۹ اسفند کارگران بیکسار در محل کارگران بیکار" با سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط "شورای موسس کارگران" که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود به خواست وزیر را مطرح کردند:

متزلزل و لرزان است. کارگران به شکل در سندیکا - ها و کانونهای بیکاران " دل " منبدهند. در عین حال طرح "حق بیکاری" میتواند و میتواند پشتیبانی کارگران شاغل را نیز بخود جلب نماید. در حالیکه طرح " وام بیکاری " فاقد این امکان است.

و همین طور اینها بودند علی که بر طبق آن آقای فروهر " دقیقاً " میخواست که این طرح به صورت " وام " باقی بماند و " حق بیکاری " مطرح نگردد.

● طرح انحرافی دیگر، " صندوق تعاون بیکاران "

در این میان بر اثر نشوونیدن یک طرح اصولی در میان کارگران که بتواند آنها را به هم نزدیک کرده، مشکل نماید، طرحهای انحرافی دیگری نیز بروز نمود. بروز این طرحها به شش بیشتر کارگران دامن زد و باعث پستی و روشنگرانه و بی مورد فراوانی گردید. کارگران را به جان هم انداخت و آنها را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. یکی از مهمترین طرحهای انحرافی، طرح " صندوق تعاون بیکاران " بود. بد نیست اندکی نیز به این طرح بپردازیم. در اعلامیه ای که از طرف " بخشی " از کارگران بیکار منتشر شده، آمده است:

" تجربه چند ماهه ما کارگران بیکار نشان داد که مقامات مسئول دولت انقلابی موقتاً بهانه های مختلف از تحقق خواستهای منطقی و بحق ما سر باز می زند... سیل آنها مانند انقلابی، درونگو، بی دین، غریبکار بطرف ما سرازیر شد و حتی مورد هجوم قرار گرفته شدید به مرگ شده و متأسفانه هیچگونه حمایتی از طرف مقامات مسئول انجام نگرفته. امروز ما تصمیم داریم که سرخوش خانوادها های بی پناه و گرسنه خویش را خودمان در دستگیریم و از همه آزاد بخواهیم و مقامات مسئول دولتی تقاضا داریم که در حد توان و امکان، ما را کمک کنند و از راهنماییهای ما با محرومی و معنوی دریغ نورزند. هموطنان عزیز، ما با تشکیل کمیته کاربایی و صندوق تعاون بیکاران تلاش خود را آغاز میکنیم و از وزارت کار و کامیون و حقوق بشر و کانون وکلا دعوت میکنیم که با نظارت و راهنمایی ما در حل مشکلات باری کنند."

انحرافی بودن این طرح خیلی دود در میان کارگران روشن شد. این طرح چیزی جز اللاف سرمایه داران ( دولت و مقامات مسئول ) را، به کارگران نوبد نمیدهد. این طرح ذهن کارگران را از مبارزه برای خواستهای اساسی خود منحرف میکند و کارگران را بجان یکدیگر " میانداخت. این " طرح " از یک طرف معتقد بود که " دولت " مقامات مسئول " به نفع کارگران هیچ کاری انجام ندهند و در عوض آنها را تهدید کرده، به آنها فد انقلابی گفته اند. ولی از طرف دیگر، باز از همان " مقامات مسئول " میخواست که به این صندوق کمک نمایند! این " طرح "

آقای فروهر میگوید: " شرف کارگر به او اجازه گرفتن بول را نمیدهد " باید با ایشان گفت که:

" حق بیکاری " صدقه نیست، حق طبیعی کارگروست

از آزادیخواهان میخواهد که به این صندوق بول بریزند! و در واقع وظیفه دولت را انجام دهند! آیا ممکن بود بهتر از این به دولت سرمایه داران کمک نمود؟ این " طرح " از طرح پیشنهادی دولت هم پائین تر است. آیا نویسندگان طرح، عقب مانده و خوشحال نبوده اند؟

بهر ترتیب از نظر ما، تا وقتی که یک طرح اصولی و اساسی در میان کارگران بیکار ریشه ندوانده است، امکان بروز طرحهای انحرافی دیگر هم هست. " طرحهای " که فقط موجب هز رفتن نیروهای کارگران بیشتر میشود و در نهایت چیزی عاید نمی نماید. از نظر ما این طرح اصولی " حق بیکاری " است.

ما از تمام کارگران بیشتر و نیروهای آگاه دعوت میکنیم که حول اشکات حقانیت طرح " حق بیکاری " و طرد و نفی طرح کذابی " وام بیکاری " دولت، اقدام به افشاکاری نمایند.

ادامه دارد...

ظاهراً طرح وام خود را به طرح وام اصلاحی کارگران نزدیک کرد، اما این فقط ظاهر قضیه بود. نتیجه وام دهی دولت بعد از گذشت سه ماه به خوبی محبت این ادعا را ثابت میکند.

به علت تبلیغات سوء دولت و علی که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، کارگران دست از طرح " حق بیکاری " برداشتند. و به این ترتیب به دولت این فرصت را دادند که حداقل تا مدتی به هدفهای خود دست یابد.

● چرا کارگران بجای طرح " حق بیکاری " وام بیکاری را مطرح نمودند؟

به عنوان دلیل گفته میشد: از یک طرف نبودن شکل و آگاهی کارگران و از طرف دیگر خراب بودن وضع اقتصادی رژیم! ولی ببینیم آیا این دلایل درست بوده اند؟

در مورد وضع اقتصادی دولت، همانطور که خود دولتیان گفته اند، " فقیر نیستیم " ( # ) دوماه پیش هم فقیر نبودیم، کوششهای هم که برای دریافت پول از مردم به عنوان مختلف ( خیریه و... ) صورت میگرفت برای جلوگیری از تورم بود.

بهر صورت تفاوت چندانی میان " حق بیکاری " که به کارگران تعلق میگرفت و " وام بیکاری " دولت ( در صورت دست یابیده شدن )، وجود ندارد. لیکن دولت با علم کردن طرح " وام " میخواست تا از پایه " تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار دهد و با لنتضیم به توده های عظیمی از کارگران هیچ وامی پرداخت نشود.

● چرا بسیاری از کارگران دنبال طرح دولت می روند؟

لیکن آگاهی و شکل کارگران با این بود، چه بسا در صورت مطرح کردن " حق بیکاری " وارد کردن " وام بیکاری "، کارگران بهر پیشرو از توده های کارگر بیکار جدا افتاده و هر یک برآه خود میرفتند. در این زمینه ما عقیده داشتیم که می بایست " حق بیکاری " را به عنوان طرح اصولی و بلاواسطه در نظر قرار داد ولی وام بیکاری را رد نمودیم ( یعنی کارگران را از گرفتن وام بیکاری منع نگذاشتیم )، اقدام به افشاکاری در اطراف آن نمود. به کارگران توضیح داد که طرح وام بیکاری دولت هیچ وقت منافع اولیه آنان را برآورده نخواهد ساخت. ( همانطور که ساختن است ) کمپنیا میبوینها کارگر را گرسنه نگه میدارد و بقیه را که به این طرح امیدوارند سردوانده، و چیزی عایدشان نمی شود. درباره طرح " حق بیکاری " می بایست تبلیغ و ترویج و سازماندهی صورت گیرد و بر ضرورت اخذ " حق بیکاری " بعنوان حق طبیعی و مسلم کارگران تاکید و با فشاری گردد. در حال حاضر طرح " وام بیکاری " اصلاحی، به صورت چانه زدنهای بی نتیجه با دولت در آمده است و آینده ای هم ندارد.

چرا کارگران طرح " وام بیکاری " را بجای طرح " حق بیکاری " پذیرفتند؟

از یک طرف کار آگاهان هرگاه وسیع در میان کارگران صورت گرفت و کارگران مبارز از " خانه کارگر " و بقیه امکانات خود نتوانستند به نحو مطلوبی برای تبلیغ " حق بیکاری " استفاده کنند، چرا که خودشان آنرا به مدتی بعد ( ۴ ماه بعد ) موکل کرده بودند و عملاً هم کاری در این زمینه صورت نگرفت.

از طرف دیگر تشکیلات دهی کارگران مدت زیادی به عقب افتاده است و کارگران در تهران ( و در سایر ) ری از شهرت آنها ) هنوز در ابتدای مشکل کردن خود می باشند. ( از آنجایی که در اطراف مقرات طرح " وام بیکاری " افشاکاری نشده است، کارگران بجای پیگیری طرح " حق بیکاری " به گرفتن " وام بیکاری " امیدوار شده اند و از همین لحاظ پایه تشکیلات ( # ) - حسن نریز مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در روزنامه آفتابگان ۷ خرداد میگوید:

" امروز، روزانه ۶۰ میلیون دلار از درآمد نفت ما بد ایران میشود. فراموش نکنیم در گذشته قسمتی عمده این پول شاید ۹۰ درصد آن خرج خرید اسلحه میشد و... و با: " گفتیم بروید حبابهای سر را ببینید در بانک آمریکا می مانده اتان و بانک مرکزی الان ما ۱۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ما فقیر نیستیم! "

لیکن چرا آقای وزیر حتماً میخواهد که این طرح به صورت " وام " باقی بماند و صحبتی از حق بیکاری نشود؟ زیرا:

۱- " حق بیکاری " به کارگران نا آگاه می - فماند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه دار ر استثمار میشود. بنابراین زمانیکه عده ای از کارگران بیکار میشوند، دولت نمایند سرمایه داران با بستن قسمت کوچکی از درآمد سرمایه داران را کسبه از استثمار کارگران حاصل شده است، بصورت حق بیکاری به کارگران پرداخت نماید. آقای وزیر کار میگوید: شرف کارگری به کارگر اجازه نمیدهد که بلاعوض ( ! ) بول بگیرد. " مسلماً " شرف " وزیر دولت سرمایه دار می باشد و او حکم میکند که از منافع طبقه خود حمایت کند.

● کدام طرح به نفع کارگران است؟  
" وام بیکاری " یا " حق بیکاری "؟

● کارگر به فکر سیر کردن شکم و وزیر به فکر بزرگ کردن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران!

● حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری، طبقه کارگر متصور است.

به همین جهت " حق بیکاری " مطرح شده از طرف کارگران را بول " بلاعوض " قلمداد میکند. لیکن کارگران میدانند که " حق بیکاری " چیزی جز قسمت کوچکی از درآمد حاصل از استثمار خود آنان نیست. این حق آنهاست.

۲- آقای وزیر کار میگوید: " میخواهم که این طرح صندوق وام بیکاری دقیقاً ( ! ) به صورت وام باقی بماند " زیرا وزیر دولت سرمایه داری قصد دارد طبقه کارگر را تحمیل کند. به کارگران بگوید که وام بیکاری صدقه ما به شماست، حق شما نیست، بلکه ما لطف کرده به شما وام میدهم. شما هیچگونه حقی ندارید و باید این پول را برگردانید!

۳- رژیم با طرح " وام بیکاری " قصد داشت تشکیلات کارگران بیکار را بهم بزود و تا حدودی هم موفق از طریق " تشکیلات دولتی " اقدام به پرداخت وام به کارگران نمود. روشن است که در این حالت کارگران به صورت منفرد، در اینجا با آنجا با دولت سروکار داشتند. طرح وام بیکاری به طریقی است که با سابقه ترین و معمولاً پیشروترین کارگران از این طرح برخوردار میشوند، بنابراین از کل کارگران بیکار جدا شده و به شکل خود نمی بردازند. در این صورت کارگران در یک حالت بی تشکیلاتی باقی میمانند و قادر نیستند حتی همان خواسته های ابتدایی خود را از دولت طلب نمایند. تا بحال هم کارگران بیکار از تشکیلات مناسبی برخوردار نشده اند.

۴- رژیم با طرح " وام بیکاری " این امکان را یافته است که به توده های عظیمی از طبقه کارگر هیچگونه وامی پرداخت ننماید. بعد از گذشت سه ماه، از حداقل ۳ میلیون کارگر بیکار فقط سه ۶۰ هزار کارگروام پرداخت شده است! ( آنهم ۷۵۰ تومان به هر کارگر بیکار، ۱۵۰ تومان برای زن و ۵۰ تومان برای فرزند ) یعنی به دو میلیون و نهصد و چهل هزار ( ۲/۹۴۰/۰۰۰ ) کارگر بیکار و گرسنه ( حداقل ) هیچگونه پولی نرسیده است!

بعد از تصویب طرح وام بیکاری، رژیم با آن و ناله به پرداخت اقدام نمود. کارگران بر علیه این طرح اقدام به راهپیمایی نمودند و از جمله روز ۲۱ فروردین بود که در دادگستری ضمن نمودن، در این روز کارگران طرح " اصلاحی " خود را به دولت عرضه کردند. بر اساس طرح اصلاحی کارگران پروژه ای، میزان وام ( و نه حق ) به ۹۰۰ تومان افزایش می یافت. برای زن ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند ۹۰ تومان در نظر گرفته شده بود. محدودیت سنی و محدودیت داشتن دخترچه سیمه بر طرف شده بود و... " دولت موقت " در مقابل این طرح هم مقاومت نمود! و با بهانه اینکه این طرح ۲۷٪ به مخارج دولتی اضافه میکند از قبول آن شانه خالی کرد. ( در صورتیکه همه میدانیم وضع مالی دولت بر طبق گفته خود دولت نه خراب بوده و نه حالا خراب است. ) دولت سر اثر فشار بیشتر کارگران اطلاعات جوشی در طرح خود وارد نمود ولیکن میزان وام را افزایش نداد. دولت



مادرشان همراهشان نهندند از همان اول در روستا برای مدت معلومی خریداری می‌شوند و از آنها تا حد امکان کاری نکنند. بعضی از کارگران بهشی از سی سال است که بطور مداوم همه ساله به تهران به سرکسوره ها می آیند و بقول خودشان مرد ۲۰ ریل نیز پادشان است ولی اکنون اگر کار نکنند شکم خودرانی توانند سیر نمایند. فرزندان روستایی را در اول بهار از مدارس بیرون آورده به تهران می آورند و در اوایل پاییز با چهره هایی زرد و رنگ پریده به روستا برمی گردانند.

بگزارشی از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد، قرچک؛

از روز شنبه ۸/۲/۴۸ کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد بمنظور اضافه دستمزد و بهبود شرایط محیط کار دست به اعتصاب عمومی زدند و به دنبال آن عده ای از کارگران از کوره های مختلف براه افتاده و از کارگران دیگر خواستند از کار دست بکشند و همچنین خارج کردن اجزای کوره توسط کمربندها جلوگیری نمودند و در صورت هائیز در خیابان های اطراف



تصویر از کوره پزخانه های خاتون آباد، قرچک، در روز شنبه ۸/۲/۴۸

نوشته ای که در زیر قسمت هایی از آنرا برایتان نقل می‌کنیم، گزارشی است از کار و زندگی و مبارزات کارگران کوره پزخانه ها که به کوشش دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر (دانشگاه ملی) حدود یک ماه قبل تهیه و در سطح محدودی انتشار یافته است. کسانی که بخواهند در مورد کوره پزخانه ها اطلاعات بیشتری کسب کنند، می‌توانند به کتاب "قیام کارگران خشمگین" از انتشارات "نبرد برای راهی کارگر" که قصه‌های از این طبقه کار و زندگی را در کوره پزخانه ها و همچنین مبارزات کارگران را شرح می‌دهد، مراجعه کنند.

امامه از صفحه اول سالروز شهادت...  
سالهای آغازین بحران، بدست رژیم جنایتکار پهلوی بخون کشیده شد.

کارگران کوره پزخانه که تحت غیرانسانی ترین شرایط و بدستمزدی نازل برای سرمایه داران عسری می پختند، و بحران اقتصادی آنان را در ورطه هلاکت افکنده بود، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۸، برای سومین بار دست از کار کشیدند و برای مقابله با تورم و جحشتمتگی که زندگی خود و خانواده هایشان را تهدید می کرد، یکپارچه و متحد خواستار ۳۰٪ اضافه دستمزد شدند. رژیم کودتا که هنری جز سرکوب و کشتار نداشت، گزبه های خونخوارش، ساواک، پلیس و ژاندارم را روانه میدان کرد.

گلوله باران کارگران تهران کوره پزخانه ها که به شهادت بیش از ۵۰ تن، دستگیری دهها نفر از کارگران مبارز انجامید، فاجعه طبیعی بود که خلق را در ماتم نشاند. پادشاهان گرامی و راهشان پایدار باد! اکنون بیست سال از آن فاجعه خونبار می گذرد. در میان کارگرانی که در حال حاضر در کوره پزخانه ها کاری کنند، اندکند کسانی که خود شاهد آن جنایت فجیع بوده باشند. اصلا کسی که توانسته باشد بیست سال در این شرایط جان فرسای کار دوام بیاورد، انگشت شمار است. با قلمی به شرایط زندگی و کار کارگران کوره پزخانه ها در بیست سال قبل و هم امروز، خواهیم دید که به پیچیده از رنج و حرمان کارگران گشته‌اند است. لیکن بود این مدت طبقه کارگر تجارب گرانبها شس میوه در طی مبارزات یکساله اخیر انداخته است که بوی امکان می‌دهد با مزی راسخ و درونمای روشن راه ناپودی نظام ظالمانه سرمایه داری و برپائوسی سوسیالیسم، این یگانه راه رهایی زحمتکشان، کام بردار.

کوره پزخانه های اطراف تهران عمدتا در نقاط خاتون آباد، ورامین، قرچک، جاده ساوه متمرکزند. در هر کدام از نقاط فوق تعداد ۴۰ - ۵۰ تا حدود ۱۰۰ کوره در مجاور هم قرار دارند و در کنار هر کوره، خانه های کوچک و وجود قارده کارگران عموما با خانواده‌شان در آنها بسر می برند. تعداد کارگرانی که در هر کوره کاری می‌کنند متناسب با ظرفیت کوره و حدودا بین ۴۰ - ۷۰ نفر می باشند، کارگران کوره پزخانه همیشگی نبوده بلکه تقسیم هستند. در زمستان عده معدودی کارگر کوره پزخانه بکار مشغولند. در کوره پزخانه کارگران بر حسب نوع کاری که انجام می دهند، به قسمتهای زیرتقسیم می‌شوند: کارگران شمال، کوره سوز، کوره چین و زغالکش ۱۰۰ کارگران کوره پزخانه ها بصورت کنتراتی کاری می‌کنند، یعنی بازی هر ۱۰۰ عدد آجر که چهار نفر برای تهیه آن کاری می‌کنند و تشکیل اصطلاحا دستگاره می‌دهند. مبلغی به آنها پرداخت می‌شود. معمولا یک دستگاه از یک مرد و همسر و فرزندان که از روستاها آمده اند، تشکیل می‌شود و مزدی که تا قبل از اعتصاب اخیر دریافت می‌کردند بازی هر هزار عدد آجر حدود ۵۰ تومان بود. کارگران از ۱۵ فروردین به کار مشغول هستند، هنوز وضع دستمزد آنها شخصی نیست قیلا به "ازا" هر هزار آجر حدود ۵۰ تومان می‌گرفتند و اکنون خواهان اضافه دستمزد می‌باشند. از نظر امکانات رفاهی زندگی، کارگران در وضع بسیار بدی بسر می‌برند. در یک اتاق کوچک گاهی تا ۱۰ نفر زندگی می‌کنند، آنها گاهی در هوای ۵۰ درجه بالای صفر و بیشتر کاری می‌کنند و بعلت نبود حمام در محل دچار بیماریهای انگلی و پوستی می‌شوند در اکثر کوره ها از توالت و سایر لوازم بهداشتی خبری نیست. از نظر آب آشامیدنی یکتانگر آب برای همه افراد یک کوره وجود دارد. بهره کشی از کودکان که شد بدترین شکل انجام می‌گیرد، بطوریکه بعضی از اطفال که پدر و

الف: مختصری درباره وضعیت کوره پزخانه ها

کوره (جاده خراب) به تظاهرات پرداختند. پس از شروع تظاهرات افراد کمیته به محل آمده و شروع به تیراندازی هوایی می‌نمایند که کارگران با سنگ و چوب افراد کمیته را مجبور به عقب نشینی می‌کنند. در روزهای بعد نماینده امام خمینی از قم می‌آید و با توافق چند نفر که ادعا می‌کردند دانشجوی هستند، برای کارگران سخنرانی می‌نمایند. شخصی مذکور که هیچگونه اطلاعی از اوضاع زندگی کارگران ندارد و خود به این عدم آگاهی اعتراف می‌کند، پس از اینکه از مشکلات کارگران با خبر می‌شود از کارگران می‌خواهد بخاطر آبروی امام و دولت به سرکار بروند. افراد کمیته که ابتدا کارگران را ضد انقلاب خوانده بودند تا تعلق زیاد عذر خواهی نموده و می‌گویند ما از شما کارگران گله داریم که چسرا مشکلات خود را با ما در میان نگذاشته، شروع به اعتصاب کرده‌اید و خلاصه به کارگران می‌گوید برای خود نماینده انتخاب کنید تا با آنها در مورد خواستههای شما صحبت شود و بدین ترتیب در روزهای سه شنبه و چهارشنبه کارگران کم کم اعتصاب خود را می‌شکنند. لازم به یاد آوری است که افراد کمیته پس از اعتصاب هر روز برای کارگران اجناس ضروری زندگی را آورده و با قیمت‌های بسیار در دسترس آنها قرار می‌دهند، بدین ترتیب با اصطلاح سعی می‌کنند دل کارگران را بدست آورند و بدین ترتیب کارگران را از خواست برحق خودشان منصرف سازند و غافل از آنکه کارگران آگاه تراز آنند که فریب کجکهای (صده) آنها را بخیرند یکی از کارگران می‌گفت "ما صده از هیچکس نمی‌خواهیم ما خواستار حق خودمان هستیم چیزی را که ما می‌خواهیم حاصل زحمت خودمان است" در ضمن روز پنجشنبه گروهی دختر و پسر که خود را دانشجوی معرفی می‌کنند به میان کارگران رفته و به آنها مسائل دینی آمیز می‌دهند و در ضمن از کارگران می‌خواهند که به کار خود ادامه دهند، این عمل روزی جمعه نیز تکرار می‌شود.

در مجموع در شورای نمایندگان اکثریت با نمایندگان مرتجع می‌باشد. در روز پنجشنبه ۵/۲/۴۸ عده ای دانشجوی دختر و پسر با مقداری دارو بعنوان پزشک به محل این کوره ها آمده و دختران ساعتی به زنان که مشغول جمع کردن اجزای کوره بودند کمک کردند سپس آنها مقدار زیادی فقط قرص مسکن برای تمام درد ها تجویز کردند و همچنین مدتی به آنها اصول دین یاد دادند و از کارگران سئوالاتی در مورد اینکه آیا دانشجویه میان شما می‌آید یا نه و اینکه مواظب باشید گمراهتان نکنند و... می‌نمایند.

بدناله اعتصاب خاتون آباد کارگران کوره پزخانه- های قرچک اعلام با اعتصاب نموده شنبه ۵/۲/۴۸ و غروب همان روز از هر گروه یک نفر نماینده انتخاب نمودند که تعداد نمایندگان جمعا ۴ نفر شد.

در این ناحیه (قرچک) حدود ۴ تا ۵ هزار کارگر در بیهوشی از ۴ تا ۵ کوره کاری می‌کنند. این کوره ها متعلق به حدود ۴ نفر است. کارگران کوره پزخانه ها اغلب از ناحیه خراسان و آذربایجان و کرد می‌باشند. کارگران خواهان ۱۰۰ تومان دستمزد به ازای هر هزار عدد آجر می‌باشند و همچنین خواهان دستکش، کفش، لباس کار و فلاکس بخ برای تابستان و مزایای بیمه از آنجا که کارگران اکثر روستایی و مهاجر می‌باشند امکان شکستن اعتصاب توسط بعضی از آنها وجود دارد، همین منظور یک گروه از کارگران که حدودا چهار صد یا پانصد نفر می‌باشند سعی می‌کنند از شکستن اعتصاب توسط این عده جلوگیری نموده و آنها را به ادامه اعتصاب تشویق نمایند. بدناله اعتصاب یکپارچه کارگران، روز یکشنبه بعد از ظهر که کارفرمایان بمنظور درهم شکستن صفوف متحد و متشکل کارگران در مسجد قرچک جمع می‌شوند و بر ضد کارگران به توطئه چینی می‌پردازند، در ضمن از نمایندگان کارگران نیز می‌خواهند که در جلسه آنان شرکت کنند. کارگران بمنظور کسب اطلاع همگی به مسجد می‌روند، در آنجا کارفرمایان دوتن از نمایندگان کارگران را ضد انقلابی خوانده و آنها را تهدید به دستگیری از طرف کمیته می‌نمایند. در اینجا کارگران به حمایت از نمایندگان خود برخاسته و ایستادگی را از مسجد فراری می‌دهند. فردای آن روز اسرار کمیته به تحریک کارفرمایان بکوره پزخانه می‌آیند و هم چون چماق کارفرمایان وارد عمل می‌شوند و کارگران را ضد انقلاب می‌نامند. در آنجا کارگفت که ضد انقلاب نمی‌آید توی کوره پزخانه ها با این شرایط طاقت فرسا کار کند، او می‌گفت ضد انقلاب پول داره، ماشین داره، خانه داره، ماشینی که ما کارگران جز رنج دیدختی چیزی نداریم. یکی از افراد کمیته می‌گوید من دستور تیراندازی دارم کارگری در جواب او بوقه پاره‌های خود را با ز می‌کند و می‌گوید: بزن! بزن! این رفتار افراد کمیته با شدت عمل کارگران رهبر می‌چوب بر می‌دارد. در این میان کارفرمایان نیز جرات نمی‌کنند سرکوره ها حاضر شوند. نمایندگان کارگران که برای احقاق حقیق خود به کلیه مراجع قانونی مراجعه نمودند و با پند و اندرز رهبری شدند سرانجام تصمیم می‌گیرند بحضرت آیت الله طالقانی بروند، بدناله آن‌ها ۴۰ نفر نماینده، ۵ نفر انتخاب شده و به ملاقات آیت الله طالقانی میروند و خواستههای خود را با ایشان در میان می‌گذارند. آیت الله طالقانی نماینده ای از جانب خود تعیین می‌نمایند که به ساقل رسیدگی کند، سرانجام نماینده آیت الله طالقانی با استناد به مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی زده ۴۰٪ اضافه حقیق (۷۰ تومان بازی هر هزار آجر) بملاو ۳۰۰۰ تومان پاداش سالانه و کفش و دستکش و وسائل بهداشت را به کارگران می‌دهد، در ضمن قول می‌دهد که حقیق دور ان اعتصاب هم پرداخت شود. از ۵ نماینده ۳ نفر با طرح فوق موافقت نمودند و دو نفر دیگر خواهان امتیاز بیشتری بودند ولی سرانجام آن دو نفر نیز طرح فوق را می‌پذیرند. بدناله این توافق شب چهارشنبه نماینده آیت الله طالقانی با بلند کردن کوره ها به کارگزاران قول می‌دهد که به خواستههای آنان رسیدگی می‌شود و از آنها می‌خواهد که از فردا (صبح پنجشنبه) به سرکار بروند، بدین ترتیب کارگران از صبح پنجشنبه ۲/۲/۴۸ به سرکار باز می‌گردند.

اکتوبر که حدود یکماه از تهیه این گزارش می‌گذرد، کارگران مبارز کوره پزخانه ها توانسته‌اند به این اعتصابات وسیع و همگانی خود، میزان دستمزد خود را درازای تولید هر یک هزار آجر، تا ۱۰۰ - ۷۴ تومان افزایش دهند.

روز ۱۵ خرداد به دعوت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر میهنی در دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد که در آن قریب ۱۵ هزار نفر شرکت کردند. بنظر ما بزرگداشت این روز از طرف نیروهای غیر مذهبی از آن جهت ضروری بود که برخی میکوشند قیام ۱۵ خرداد را جدا از انگیزه ها و زمینه های اجتماعی - اقتصادی داشته آنرا فقط و فقط ناشی از مبارزه روحانیت بدانند. ما نه تنها نقش روحانیت مبارز و همگامی آن با مبارزات آرزوی خلق را نادیده نمیگیریم بلکه نقش بارز و شمیم کننده آیت الله خمینی را در قیام ۱۵ خرداد ارجح میگذاریم. بدیهی است آنچه در یک برخورد علمی باید پدید آید اهمیت و سندیت دارد این است که همه جوانب و علل پدیدار را در ارزیابی خود حساب آوریم و به یک جانبه نگری نینتوانیم. عوامل روحانی و عوامل زبیرانی - شی را هر کدام در حد خود و حدت و شدتی که داشته اند بشناسیم.

ما عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین - سالگرد قیام انقلابی خلق ایران را علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آن در ۱۵ خرداد ۲۲ گرامی میداریم. ما مضمون حشمت انقلاب ایران را تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی و راه شهیدان عزیزمان را ادامه دهیم، ما باند جاسوس کمیته مرکزی حزب توده را که سعی در فریب خلقمان دارد محکوم میکنیم. - گروهی از کارگران آبادان - در پیام این رفقای کارگر آمده است:

ما عده ای از کارگران آبادان - با دانش این تجربه تلخ دیگر حاضر نیستیم زیر بار سازشکاران برویم. تنها راه نجات ما زمتکشان و مستبدت و تشکیلات خودمان است. - عده ای از مصلحان قزوین ( طرفدار کنفرانس وحدت ):

### تجاوز و کشتار جنگنده های عراقی محکوم است

در هفته گذشته جنگنده های عراقی به مرز ایران تجاوز کرده و روستاهای بید فاغ را مورد حمله قرار دادند. این حمله موجب کشته شدن چند تن از هموطنان ما گردید. چنین تجاوز و کشتاری تحت هر بهانه ای که صورت گیرد شدت محکوم است. دولت عراق عنوان کرده است که برای پیگرد سر - کوبی عناصر رژیم قیامه موقت - دست به این جنایت زده است. در اینکه "قیامه موقت" مزدور ساواک و امپریالیسم و ارتجاع است، شک نیست. و در اینکه "دولت موقت" نه تنها اقدامی در سرکوبی این باند جنایتکار بعمل نمی آورد بلکه همکاریهای شخصی نیز با این داور دسته ارتجاعی داشته است، در این نیز جای بحث نیست. ولی اینها هیچکدام نمی توانند تجاوز و کشتار رژیم فاشیست عراق را توجیه کند. بخصوص اگر توجه کنیم که فاشیستهای عراق همواره تحت عنوان فریبنده ای اعمال جنایتکارانه و ضد دمکراتیک خویش را پیش می برند.

عده ای از کارگران آبادان - در پیام این رفقای کارگر آمده است:

درد بر شهیدان خلق که در ۱۵ خرداد نشان دادند که تنها راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه قهرآمیز می باشد نه پارلمانی.

تجاوز و کشتار جنگنده های عراقی محکوم است

در هفته گذشته جنگنده های عراقی به مرز ایران تجاوز کرده و روستاهای بید فاغ را مورد حمله قرار دادند. این حمله موجب کشته شدن چند تن از هموطنان ما گردید. چنین تجاوز و کشتاری تحت هر بهانه ای که صورت گیرد شدت محکوم است. دولت عراق عنوان کرده است که برای پیگرد سر - کوبی عناصر رژیم قیامه موقت - دست به این جنایت زده است. در اینکه "قیامه موقت" مزدور ساواک و امپریالیسم و ارتجاع است، شک نیست. و در اینکه "دولت موقت" نه تنها اقدامی در سرکوبی این باند جنایتکار بعمل نمی آورد بلکه همکاریهای شخصی نیز با این داور دسته ارتجاعی داشته است، در این نیز جای بحث نیست. ولی اینها هیچکدام نمی توانند تجاوز و کشتار رژیم فاشیست عراق را توجیه کند. بخصوص اگر توجه کنیم که فاشیستهای عراق همواره تحت عنوان فریبنده ای اعمال جنایتکارانه و ضد دمکراتیک خویش را پیش می برند.

برخی از نیروهای مترقی در رابطه با پیشنهاد بزرگداشت ۱۵ خرداد از طرف نیروهای چپ عقیده دارند که چون این روز، روز روحانیت و نیروهای مذهبی است ما نباید به برگزاری مراسمی اقدام کنیم آنها با این نظر خود در واقع بر یک تحلیل و سنجش درست یکجانبه از قیام ۱۵ خرداد محم گذارده و راه را برای انحراطمی و جعل و تحریف بیشتر تاریخ باز میمانند. روز ۱۵ خرداد همانقدر متعلق به زحمتکشان ایران است که برای آنها نیکو هم میوز - کبهای هر کدام را نادیده بگیریم. سیر حال از نظرس ما این درست و وظیفه نیروهای مارکسیستی لنینیستی است که همواره موقع و تحلیل علمی و صحیح خود را به نحوی شایسته و با شرایط شرایط موثر بودن بسودن محافظه کاری ابراز دارند.

عده ای از کارگران آبادان - در پیام این رفقای کارگر آمده است:

درد بر شهیدان خلق که در ۱۵ خرداد نشان دادند که تنها راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه قهرآمیز می باشد نه پارلمانی.

## اخبار کردستان

● شب پنجشنبه ۸۸/۳/۱۱ بخاطر تخلیه یک کامیون اجیر و مزاحمت توسط افراد کمیته مفتی زاده در سنجند درگیری مسلحانه ای بوجود می آید که در ضمن آن دو نفر بنام های احمد محمدی و برادرزاده او عزیز محمدی توسط یکی از افراد کمیته مفتی زاده از پای در می آیند. مردم پس از مطلع شدن از واقعه، لا اله الا الله گویان نظاره رانی برپا می کنند و سپس با شعارهای "مرگ برمفتی - کمیته اسلامی مفتی باید گردد - قاتل تحویل باید گردد - به طرف کمیته می روند، ابتدا از طرف کمیته - جسی ها برای متفرق شدن جمعیت اقدام به تیراندازی می نمایند و پس از مدتی جمعیت که از اعمال آنها به شدت ناراحت بوده به این عمل آنها واقعی نمی بیند و به ساختمان کمیته حمله می کنند و آنرا به آتش می کشند و تمام ائامه آن منقطع مقداری سلاح (توسط مردم پس عاملین خود مفتی زاده) صادر می شود (در این مورد کمیته چی ها قاتل را فرار می دهند). بعد از مدتی که ساختمان در آتش می سوخت بخاطر خانه های مجاور آنرا خاموش نمودند. جنازه دو نفر همان شب بچاک سپرده می شود و مردم تا پاسی از شب را به سید ماندند و میسویسی هم که مربوط به کمیته بود آتش زدند. شورای شهر برای روز بعد اعلام نمود که کمیته ها در اختیار ما بوده و مردم نمی بایست دست به چنین کاری می زدند و کمیته را به آتش می کشیدند. ما با شکل دیگری مسئله را فیصله می دادیم.

از این شغل تامین می شده رفته بودند که هنگام عمل سرعت توسط صاحب خانه و بهجه هایش مورد هدف قرار می گیرند که ضمن تیراندازی یکی از برادرزاده های محمد صدیق جاف از ناحیه کمرش زخمی می شود و سپس سه نفر دیگر او را سوار یکی از دو ماشین که همراه داشته اند کرده و ماشین دیگر را که یک وانت بوده از ترس جاس می گذارند و فرار می کنند. اکنون فرد زخمی شده در یکی از بیمارستانهای سنجند بستری است و محمد صدیق جاف هم در فکر انتقام است.

طبق خبر رسیده، روز چهارشنبه بنا به دعوت استانداری کردستان محمد صدیق جاف وارد سنجند می شود و جلسهای در استانداری مرکب از استاندار - محمد صدیق جاف - فرمانده ناحیه ژاندارمری و جمعی دیگر از روسای ادارات تشکیل می شود. این جلسه پیرو مذاکراتی است که یک هفته قبل از آن درده بسطام و بسا شرکت فرستاده هتنگ ژاندارمری کردستان فرمانده هتنگ ژاندارمری سقز و چند تن از روسای ادارات سقز و محمد صدیق جاف انجام شده و در ضمن آن محمد صدیق جاف از تحویل دادن پاسگاههایی که در اختیار داشته خودداری کرده بود.

در این جلسه بطور قانونی امنیت منطقه بسطام (منطقه ای وسیع شامل چندین ده و پاسگاه در بین راه سقز - میوان) به محمد صدیق جاف واگذار می گردد و چنین تصمیم می گیرند اگر در این مدت صلاحیت نامبرده تأیید شد بازمه کماکان حافظ امنیت منطقه باشد - حال این صلاحیت را چگونه تشخیص می دهند بمانند، جالب اینجا - ست که فردای همانروز افراد محمد صدیق جاف از سه

خانواده در روستای بوخه لو مبلغ بیست هزار تومان باج می خواهند وقت تعیین می کنند که تهیه کنند. دو روز بعد خبردار شدیم که یک خانواده از این سه خانواده به شهر و یک خانواده دیگر به یک روستای دور دست کوچ کرده اند.

● از میروان در مورد قیامه موقت (۵۸/۳/۲۴)

یکی از سران قیامه موقت بنام "حندرن" که به ناصح نیز مشهور است هر چند وقت بیکار با هواپیمای کرایه ای از کرج به سنجند آمده و به میروان می آید تا به پایگاه قیامه ایها سر بزند. اخیراً این شخص با عده معدودی از اهالی شهر گهمدتا بازاری بوده اند تماشای گرفته و توافقاتی را به شرح زیر امضا نموده اند:

- ۱- نیروهای قیامه با هم به همگرایی کرد عراقی شناخته شوند.
- ۲- قیامه ایها در امور ایران دخالت نکنند.
- ۳- قیامه ایها از کارهای گذشته خود در میروان ابراز ندامت کنند.
- ۴- به همگرایی بدنام تغییر محل بدهند.
- ۵- به همگرایی مسلح به شهر نیایند.
- ۶- از انجام تظاهرات و پخش اعلامیه بپزد تهاهه خودداری گردد.

با توجه اینکه تا کنون سران این داور دسته ضد خلقی آزادانه در بین ما می چرخند و دولت موقت نه فقط هیچ مانعی در راه آنان ایجاد نمی کند، بلکه کمکهای شخصی هم به آنها کرده است. معنای توافقات فوق چیزی جز رسمیت بیشتر دادن به "قیامه موقت" نیست. مسلماً این داور دسته ارتجاعی با استفاده از چنین امکاناتی وقتی به قدرت بیشتری رسیدند تمام این توافقات را نیز نقض خواهند کرد. ■

# نابود باد بقایای سلطه امپریالیسم